

ای مردم یم، ای اهل ایمان و حکمت؛ تا کی رنج و سختی‌تان ادامه یابد، در حالی‌که خاموش مانده‌اید و در برابر نظام حکومتی که نه به تنگنای معیشت شما اعتنا دارد و نه به مصیبت‌ها و بلاهایی که بر شما فرود می‌آید، هیچ حرکتی نمی‌کنید؟ آیا وقت آن نرسیده که دست به کار شوید و همراه با حزب‌التحریر برای برکندن این نظام از ریشه و افکندن آن در ورطه‌های عمیق اقدام کنید، و آن را با خلافت راشده دوم بر منتهج نبوت جایگزین سازید؟



در این شماره می خوانید :

نست C5+1 و تأثیر آمریکا در آسیای میانه...۲

نست چهل‌وهفتم اتحادیه آسه‌آن؛ میان گفتمان فراگیر و طرح‌های قدرت‌های بزرگ...۲

تعطیلات دولت آمریکا؛ ماییت آن و پیامدهایی چیست؟...۴

قابس در حال خفشدن؛ فاجعه‌ای زیست‌محیطی از ساخته‌های استعمار...۴

چهارشنبه ۲۸ جمادی الاول ۱۴۲۷ هـ، ۱۹ نوامبر ۲۰۲۵ م، ۲۸ آبان ۱۴۰۴ ش

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی گوید

تعداد صفحه : ۴

شماره : ۵۲۴

مقاله برگزیده

سودان میان آتش‌بس چهارگانه و بسج نظامی؛ به کجا می‌رود؟

استاد ابراهیم عثمان (ابوخلیل)

درحالی‌که آمریکا بر اجرای آتش‌بس چهارگانه پافشاری می‌کند، فرماندهی ارتش سودان اعلام بسج و آماده‌باش برای ادامه جنگ و نبرد می‌کند. آمریکا به وضعیت فاجعه‌بار انسانی استاد می‌وزرد، گویی این وضعیت پس از سقوط الفاشر پدیدآمده است. درحالی‌که همه می‌دانند آنچه در این جنگ که بیش از دو سال و نیم به طول انجامیده، بر مردم سودان گذشته، چنان هولناک است که موی کودک را سپید می‌کند! اما آمریکا، پس از آنکه از سیطره کامل نیروهای واکنش سریع بر منطقه دارفور آسوده‌خاطر شد، می‌خواهد سریع‌تر طرح پلید خود را برای جداکردن دارفور از بیکره سودان تکمیل کند؛ همان‌گونه که پیش‌تر از طریق عواملش در دولت البشیر و جنبش «شعبیه» متهم، جنوب سودان را جدا کرد. پولس، فرستاده رئیس‌جمهور آمریکا، وضعیت انسانی در سودان در بزرگ‌ترین فاجعه انسانی جهان در حال حاضر توصیف کرد و به‌طور ویژه به اوضاع فاشر در هفته‌های اخیر اشاره نمود. او این وضعیت را کاملاً غیرقابل‌قبول دانست و خواستار پایان فوری آن شد؛ اشاره‌ای آشکار به سخنان اخیر وزیر خارجه آمریکا، مارکو رابییو.

این مقام آمریکایی توضیح داد که واشنگتن با حمایت شرکای چهارگانه یعنی عربستان، امارات و مصر ابتکار آتش‌بسی انسانی به‌مدت سه ماه را در سودان پیشنهاد داده است. او توضیح داد که این ابتکار با هدف اجرای نقشه راه تفصیلی چهارگانه تدوین‌شده در ۲۰۲۵/۹/۱۲ برای رسیدن به صلح پایدار در سودان ارائه شده است. برای سخنان را مسعد پولس، مشاور رئیس‌جمهور آمریکا در امور آفریقا و خاورمیانه، در گفت‌وگو با شبکه الجزیره در روز شنبه ۲۰۲۵/۱۱/۱۵ بیان کرد. در مقابل این اظهارات، فرماندهی ارتش و بسج و آماده‌باش برای جنگ روی آورده است. عبدالفتاح البرهان، رئیس شورای حکامیتی و فرمانده کل نیروهای مسلح سودان، روز جمعه ۲۰۲۵/۱۱/۱۴ اعلام بسج عمومی در نیروهای مسلح را صادر کرد و از همه سودانی‌های قادر به حمل سلاح خواست که پیش‌قدم شده و در نبرد جاری با نیروهای واکنش سریع مشارکت کنند. البرهان در برابر تجمعی مردمی در روستای السریحه در ایالت الجزیره گفت که شورشیان و کسانی که از آنان حمایت کردند با نخواست پذیرفتن و تأکید کرد حقوق غیرنظامیان که توسط نیروهای حمایت سریع کشته شده‌اند پامال نخواهد شد. این سخنان البرهان بیانگر موضع واقعی دولت سودان نیست؛ دولت در واقع با طرح چهارگانه و آتش‌بس آن موافق است و این بسج و آماده‌باش فقط برای آرام‌کردن مردم و فرو نشاندن خشم آنان است. آنچه پذیرش دولت را تأیید می‌کند، بیانیه وزیر دفاع پس از نشست شورای امنیت و دفاع است؛ شورایی که بالاترین مرجع کشور است. او در بیانیه خود به «استقبال» شورا از آنچه کوشش‌های مصلحانه برای پایان‌دادن به رنج سودانی‌ها نامید، تأکید کرد و نیز گفت که شورا از آمریکا و مشاور رئیس‌جمهور مسعد پولس، تشکر کرده است و این به معنای پذیرش پنهان، هرچند نه آشکار، است. در تلاشی برای بازی با الفاظ، محی‌الدین سالم، وزیر خارجه سودان، به‌طور غیرمستقیم پذیرش آنچه چهارگانه مطرح کرده را اعلام کرد. روزنامه الشرق‌الاولس روز چهارشنبه ۲۰۲۵/۱۱/۱۲ سخنی از او نقل کرد که گفت: «دولت سودان به‌صورت رسمی با گروه چهارگانه بین‌المللی تعامل نمی‌کند، زیرا این گروه با تصمیم شورای امنیت، یا هر سازمان یا نهاد بین‌المللی تشکیل نشده است و سودان با برادرانش در مصر و عربستان و با دوستانش در ایالات متحده آمریکا به صورت دوجانبه تعامل دارد و با آنان به تفاهم و هماهنگی کامل می‌رسد».

ادامه صفحه ۳

دیدگاه آمریکا برای حل مسئله قبرس

عالم کراندر عطا بن خلیل ابو الرشته



سوال: رئیس‌جمهوری ترکیه روز دوشنبه اعلام کرد که رئیس‌جمهوری قبرس شمالی، طوفان آره‌ورمان، پنجشنبه آینده ۲۰۲۵/۱۱/۱۳ به آنکارا سفر خواهد کرد. برهان‌الدین دوران، رئیس اداره ارتباطات نهاد ریاست‌جمهوری ترکیه، گفت این سفر بنا بر دعوت رئیس‌جمهور اردوغان انجام می‌شود و نخستین سفر خارجی آره‌ورمان خواهد بود و در ۱۹ اکتبر، هیئت عالی انتخابات قبرس شمالی اعلام کرد که رهبر حزب جمهوری‌خواه ترک، طوفان آره‌ورمان، در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شده است. (خبرگزاری آناتولی ۲۰۲۵/۱۱/۱۰)

چه چیزی باعث این نزدیکی شده است؟ درحالی‌که آره‌ورمان در کارزار خود خواستار وحدت جزیره بود، اما اردوغان از راحل دو دولت سخن می‌گفت! آیا آمریکا پشت این نزدیکی است؟ چراکم الله خیراً.

پاسخ: برای روشن‌شدن پاسخ پرسش‌های بالا، نکات زیر طریق عواملش، مداخله نظامی نمود و در آن زمان به هدف بررسی می‌شود: خود رسید. اما سال‌های حکومت اردوغان، ترکیه را از صف نخست: نامزد مخالف دولت در شمال قبرس، طوفان انگلیس به صف آمریکا منتقل کرد و به این ترتیب، حضور آره‌ورمان، از دور نخست در انتخابات پیروز شد و بیش از ترکیه در شمال جزیره به چوبی در دست آمریکا تبدیل شد. ۲٪ آرا را به دست آورد، در مقابل کمتر از ۳۶٪ برای آن نظر داخلی نیز، سکولارها همچنان دست بالا را در شمال رئیس فعلی، ارسین تاتار (آر تی، ۲۰۲۵/۱۰/۱۹). ویژگی جزیره داشته‌اند و مسئولان دولت حتی پوشیدن حجاب را جدید در این انتخابات آن است که نامزد مخالف که کارزار در مدارس ممنوع کرده بودند. وقتی نخست‌وزیر در آوریل انتخاباتی‌اش را بر پایه وحدت جزیره با قبرس یونانی بنا ۲۰۲۵ این موضوع را مجاز کرد، دادگاه عالی قانون اساسی کرده بود. از همان دور اول و با اختلافی بزرگ پیروز شد. در سپتامبر ۲۰۲۵ آن را لغو نمود (خبرلر، ۲۰۲۵/۹/۲۵). درحالی‌که رئیس‌جمهور فعلی که خواستار راحل دو دولتی این امر نشان‌دهنده نفوذ عمیق سکولاریسم افراطی در بود. راحل‌لی که ترکیه سال‌هاست ترویج می‌کند، شکست شمال قبرس است.

خورد. برای فهم پیامدهای این نتایج در سطح داخلی و شال زاویه اقتصادی؛ ترکیه هیچ تجربه موفق اقتصادی را به بین‌المللی، نکات زیر بررسی می‌شود:

۱-ا زاویه حضور ترکیه در شمال قبرس: ترکیه که در حاشیه‌مانده است. علاوه بر این، شمال قبرس به پناهگاهی دوران مزدوری برای انگلیس، از به‌حاشیه‌راندن مسلمانان برای سرمایه‌های آوده و به مرکزی برای قمارخانه‌ها تبدیل ترک توسط قبرسی‌های یونانی به‌رمبررداری کرد. در سال شده است. در مقابل، قبرس یونانی که در سال ۲۰۰۴ ۱۹۷۴ برای جلوگیری از ورود نفوذ آمریکا به جزیره از

تعدی رژیم قریزستان به جوانان حزب‌التحریر

کمیته امنیت ملی در قریزستان کم نمایش هدایت‌شده و پوشیده را علیه کارزار دعوت اسلامی در ولایت باتکین سازماندهی کرد و از بازداشت ۱۲ نفر از جوانان حزب‌التحریر خبر داد و آنان را به «تاسیس و تأمین مالی یک سازمان افراطی» متهم کرد. در طول عملیات بازداشت، نیروها با آنان به شکلی برخورد کردند که شایسته کرامت انسانی نبود.

پیش از این نیز، ساکنان ولایت باتکین در اعتراضاتی خواستار آزادی شش جوانی شده بودند که قبلاً به اتهام افراطگرایی بازداشت شده بودند. معترضان تأکید کردند که بازداشت‌شدگان در طول دوران همه‌گیری و همچنین در جریان حوادث مرزی، هم و غم مردم را داشتند و به طور دائم به خانواده‌های نیازمند کم می‌سازند. آن‌ها همچنین تأکید کردند که اتهام «افراطگرایی» ظالمانه به آنان نسبت داده می‌شود و ناموران دستگاه‌های امنیتی تلاش می‌کنند با اتهامات باطل، آن‌ها را مجرم جلوه دهند.

پیش‌تر نیز، دستگاه‌های ویژه امنیتی دست به چنین اقدامات خودسرانه‌ای در شهر بیشکک و همچنین در ولایت‌های ایسیق‌کول و نارین زده بودند. عملیات بازداشت در آنجا نیز همراه با اقدامات غیرقانونی دیگری بود؛ از جمله آدم‌ربایی، شوک الکتریکی در بازداشتگاه‌های موقت و اعمال فشار بر خانواده‌های بازداشت‌شدگان. ستم مکرر حکمرانان در قبال جوانانی که بار سنگین دعوت اسلامی را بر دوش می‌کشند، امری زودگذر نیست؛ زیرا نزدیک‌شدن فصل زمستان، همراه با افزایش قطع برق و جیره‌بندی آن برای مردم عادی، درحالی‌که برق برای معادن که مقادیر هنگفتی انرژی مصرف می‌کنند، بدون وقفه تأمین می‌شود، خشم مردم را نسبت به حکمرانان افزایش داده است. علاوه بر این، ناراضی‌هایی موعوم از تخلفات غیرقانونی که توسط اتباع چینی در داخل کشور انجام می‌شود، رو به افزایش است. نزدیک‌شدن موعوم انتخابات پارلمانی نیز به این عوامل اضافه شده و باعث می‌شود که حکمرانان دست به اقدامات بیشتری بزنند.



طبیعت دعوت اسلامی

تحت این عنوان، «مجله الوعی، شماره ۴۷۱» چنین نگاشته است: اسلام منتظر به رسمیت شناخته شدن توسط نظام جاهلی نیست و از آن فضایی برای نفس کشیدن طلب نمی‌کند. اسلام، دین رهبری و سیادت است و شراکت را نمی‌پذیرد؛ بلکه می‌خواهد تنها برتری یابد، همان‌گونه که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «الاسلام یعلو ولا یعلو» «اسلام برتری می‌یابد و چیزی بر آن برتری نخواهد یافت».

اگر شما ایمنی را ترجیح می‌دهید و بر منافع خود بیمناک هستید، پس نباید ترس خود را بهانه‌ای قرار دهید برای کوچک‌شدن اسلام یا تبدیل آن به یک دعوت مطیع و آرام که هدف غیای‌اش زیستن در صلح و آرامش زیر چتر سکولاریسم باشد.

با باید در سطح جهاد و سرسختی اسلام در رویارویی با باطل باشید، یا آن را به حال خود رها کنید و به دنبال زندگی امنی بگردید که در آن نه نزاعی باشد و نه قربانی. مقابله با باطل، برما ساختن دروغین بودن آن، هشدار دادن به مردم از آن و دعوت به ترک آن، یک اختیار نیست، بلکه فریضه‌ای عظیم است.

تمام انبیا (علیهم‌السلام) این مسیر را پیمودند: آن‌ها رهبرانی ربانی بودند که جز از الله سبحانه‌وتعالی نمی‌ترسیدند و به همین دلیل در راه حق، آزار و اذیت را چشیدند.

اسلام به دنبال وصلکاری سکولاریسم با دعوت به اخلاق نیست، آن‌گونه که برخی انجام می‌دهند و نمی‌خواهد از شدت قساوت سرمایه‌داری با دعوت به صدقات و امور خیریه بگاهد. اسلام نمی‌خواهد که مسلمان مرگی آرام در جامعه‌ای باشد که فسق و ستم بر آن غلبه دارد، بلکه می‌خواهد از او فریادزنده‌ای رسا به حق باشد؛ مبارز با باطل که از گردن‌نهادن به نظام جاهلی ابا دارد و برای درهم شکستن آن و برپایی حکومت اسلام بجای آن، تلاش می‌کند.



خطرناک‌ترین آسیب

وارده بر امت اسلامی

سرزمین‌های مسلمانان پاره‌پاره شده‌اند، توسط نظام‌هایی وابسته به غرب اداره می‌شوند، ثروت‌هایشان غارت گشته، سیاست‌هایشان بر آن‌ها تحمیل شده است و آموزش و رسانه‌ها با تفکر استعمارگر کافر آلوده شده‌اند. هدف این است که امت هویت خود را کاملاً از دست داده و عقیده‌اش را برای همیشه فراموش کند، و بجای شریعت، قوانین وضعی و ساختگی را جایگزین سازد (علاوه بر آنچه اکنون جاری است). با این حال، سکوت بر این وضعیت غالب است. آری، خطرناک‌ترین آسیب وارده بر امت، غیاب آگاهی سیاسی بر اساس اسلام است؛ امری که حزب‌التحریر بیش از ۷۰ سال است بر آن کار می‌کند و شب و روز بدان فرامی‌خواند.

بنابراین، راحل نه در گریستن بر واقعیت است و نه در واکنش‌های موقت، بلکه در یک پروژه نهضت حقیقی است؛ لذا بر امت واجب است که مسئولیت خود را بازباید و از وضعیت غیاب به‌کشنگری و از وابستگی به رهبری تغییر به‌صورت بزرگ‌سازیه و نه ملی‌سازی‌شده. حالت دهد. این مهم از طریق مراحل زیر محقق می‌شود:

۱- ساختن ذهنیت آگاه اسلامی که واقعیت را درک کند و شیوه تغییر آن را بداند؛ با بازگشت کامل به اسلام، نه به‌صورت بزرگ‌سازیه و نه ملی‌سازی‌شده.

۲- حمل دعوت برای برپایی خلافت راشده دوم بر منتهج نبوت؛ حکومتی که اسلام را در داخل پیاده کند و با دعوت و جهاد آن را به خارج حمل نماید.

۳- برما کردن نظام‌های مزدور و پروژهای غرب کافر و سرنگونی فقری و سیاسی آن‌ها و محاسبه و خلع حاکمان.

۴- ساختن یک افکار عمومی آگاه بر اساس اسلام.

پس امت امروز تنها به کسی که «می‌بیند» نیاز ندارد، بلکه به کسی دارد که عمل کند، حرکت کند، آگاه سازد، هشدار دهد و رهبری کند.

نشست C5+1 و تأثیر آمریکا در آسیای میانه

استاد نوردین اسانالیف

نظرات سیاسی

در ششم نوامبر، در واشنگتن نشست بی‌طرف برگزار شد که در آن رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ و رهبران کشورهای آسیای میانه شرکت کردند. در این دیدار که در چارچوب ابتکار «C5+1» انجام شد، چندین توافق‌نامه در حوزه‌های تجارت، دیپلماسی و معادن به‌منظور تقویت نفوذ آمریکا در این منطقه امضا شد. همچنین پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای ویژه برای پژوهش، تولید و انتقال در حوزه فلزات گرانبها مطرح گردید.

آمریکا در سیاست خود نسبت به آسیای میانه توجه ویژه‌ای به قزاقستان و ازبکستان دارد؛ زیرا این دو کشور منابع غنی و اساسی معدنی دارند. به همین دلیل، قراردادهای بزرگی با آنها منعقد شده است. در جریان سفر رئیس‌جمهور قزاقستان، قاسم ژومارت توقایف، شرکت‌های دو کشور قراردادهایی به ارزش مجموعی ۱۷ میلیارد دلار امضا کردند که مهم‌ترین آنها در حوزه فلزات نادر بود. برای نمونه، توافق بزرگی برای سرمایه‌گذاری در یکی از بزرگ‌ترین معادن بهره‌بردار نشده تنگستن در جهان امضا شد که براساس آن، گروه آمریکایی «قفقاز کپیتال» مالک ۷۰ درصد سهام شرکت مشترک با شرکت ملی معدن قزاقستان خواهد بود. طبق گفته توقایف، ایالات متحده بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در قزاقستان سرمایه‌گذاری کرده است، درحالی‌که حجم مبادلات تجاری دو کشور به ۵ میلیارد دلار می‌رسد. قزاقستان حدود ۲۵ درصد از نیاز آمریکا به اورانیوم را تأمین می‌کند و بیش از ۶۰۰ شرکت آمریکایی در این کشور فعالیت می‌کنند.

پیش‌تر نیز در نشست‌هایی که در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل برگزار شد، قزاقستان توافقی‌نامه‌ای برای خرید لوکوموتیوهای راه‌آهن از آمریکا به ارزش بیش از ۴ میلیارد دلار امضا کرده بود.

شرکت‌های آمریکایی نیز با همتایان ازبکستانی خود توافقی‌های مشابهی امضا کرده‌اند، به‌ویژه در حوزه استخراج فلزات گرانبها، جایی‌که قراردادهایی میان وزارتخانه‌های مربوط به ازبکستان و شرکت‌های آمریکایی مانند گروه اکتشاف دینالی، شرکت «ری‌لایمنت تک» و شرکت «فلوسرو» منعقد شد. تعداد شرکت‌های آمریکایی فعال در ازبکستان حدود ۳۰۰ شرکت است. همچنین پیش‌تر اعلام شده بود که ازبکستان ۲۲ فروند هواپیمای بوئینگ به ارزش ۸ میلیارد دلار از آمریکا خریداری خواهد کرد.

منطقه آسیای میانه دارای ذخایر عظیمی از فلزات نادر و راهبردی مانند لیتیم، بریلیم، اورانیوم، تنگستن و مولیبدن، به‌اضافه فلزات کمیاب گروه پالاین است.

زمین‌شناسان برآورد می‌کنند که دست‌کم ۱۵ درصد از عناصر نادر زیرزمینی جهان در این منطقه متمرکز است. تنها در قرقیزستان بیش از ۲۰۰ تن ذخیره مواد خام راهبردی وجود دارد و در قزاقستان حدود ۱۶۰ محل، ازبکستان و تاجیکستان نیز ده‌ها معدن عناصر نادر دارند که بسیاری از آنها هنوز به‌طور کامل اکتشاف نشده‌اند.

می‌توان C5+1 را سال ۲۰۱۵ در سطح وزیران خارجه ایجاد شد، سپس در دوره بایدن به دیدارهایی در سطح روسا در نیویورک تبدیل گردید. هدف اصلی

هیئتی از حزب‌التحریر ولایت سودان؛ با شماری از وکلا و سیاستمداران در الابیض دیدار کرد

در چارچوب کارزار حزب‌التحریر، ولایت سودان برای ناکام ساختن طرح آمریکا جهت جداسازی دارفور، هیئتی از حزب‌التحریر، به سرپرستی استاد الذخیر محمدحسین ابو منته غنوش شورای حزب‌التحریر در ولایت سودان به همراهی استاد محی‌الدین کجور و استاد محمد سعید بویه (از اعضای حزب) در روز شنبه ۲۰۲۵/۱۱/۱۱، دیدارهایی با شماری از برجسته‌ترین وکلای دادگستری شهر الابیض انجام داد.

رئیس هیئت، هدف کارزار حزب و چگونگی ناکام ساختن این طرح پلید را برای آنان تشریح کرد. استادی که مورد دیدار قرار گرفتند عبارت بودند از: دکتر خلفا الله حسن علی‌عبد (وکیل)، استاد مقسم محمد احمد، استاد عاطف بول (که عا سیخ حامد بلبله نیز همراه او بود) و استاد یوسف علی احمد سعید. موضع تمامی این افراد بسیار عالی و حامی کارزار بود و آن‌ها از حزب بابت این موضع و این حرکت ضروری، تشکر کردند. در پایان این دیدارها، هیئت نسخه‌هایی از منشورات حزب را به این برادران وکیل تحویل داد و برای ادامه فعالیت‌ها قول دادند.

همچنین، همین هیئت در روز پنجشنبه ۲۰۲۵/۱۱/۱۳، با استاد عمر حسن بدیع الزمان، از رهبران حزب دولت قانون و توسعه، در دفتر او دیدار کرد تا کارزار حزب‌التحریر در ولایت سودان برای ناکام ساختن طرح جداسازی دارفور را معرفی کند. استاد عمر در این دیدار گفت: «من حزب‌التحریر را حزب دوم خود می‌دانم و تلاش برای احیای خافت، خدغه‌اول ماست» و از نقش حزب قدرتمانی کرد. سپس افزود: «سپاس الله سبحانه‌وتعالی را که حزب‌التحریر را در کردار شمالی نصیب ما کرد».

این ملاقات، دیداری برجسته بود. سپس هیئت نسخه‌هایی از منشورات حزب را که مربوط به دیدگاه حزب در مورد مسائل داغ، به‌ویژه دارفور، بود، به استاد عمر تحویل داد.

در همان روز، هیئت به دیدار استاد صلاح عبدالله (وکیل) رفت. او از هیئت استقبال و پذیرایی گرمی کرد و پس از شنیدن جزئیات کارزار حزب برای ناکام ساختن طرح جداسازی دارفور از زبان رئیس هیئت، گفت: «ما جدایی دارفور را نمی‌پذیریم و در کنار شما هستیم». در پایان این بازدید، او تقاضا کرد که تعدادی از شریات حزب مربوط به این کارزار را در اختیارش بگذارد تا شخصاً آن‌ها را به دست سایر وکلا برساند.

نشست چهل‌وهفتم اتحادیه آسه‌آن؛ میان گفتمان فراگیر و طرح‌های قدرت‌های بزرگ

استاد عبدالحکیم عثمان

مترجم

تاریخ گواهی می‌دهد که «صلح» تحت مینای‌گری آمریکا، ابزاری برای تثبیت نفوذ آن کشور است، نه تحقق عدالت، هر دست‌دانی که زیر پرچم آمریکا صورت می‌گیرد، حلقه وابستگی منطقه به ساختار جهانی سلطه را تنگ‌تر می‌کند.

شمار رسمی نشست، «جامعیت و پایداری»، در عمل تپی از محاسن، در گفتمان سیاسی امروز، جامعیت مساوی است با مشارکت در چهارچوب‌های تجاری و امنیتی‌ای که غرب تعیین کرده، و پایداری به معنای حفظ ساختار سرمایه‌داری‌ای است که بر نابرابری بنیادین استوار است. مشارکت مالزی در چنین سازوکارهایی، حقیقتی نگران‌کننده را عیان می‌سازد: کشورهای اسلامی پس از خروج استعمارگران، نه راه استقلال، بلکه راه «بهبود نیست؛ بلکه پیروی از شریعت الهی و استقلال از پذیرش این شراکت‌ها، تنها از حاکمیت مادی خود دست نمی‌کشند، بلکه دست از قابلیت اخلاقی خویش نیز می‌شویند.

از نگاه اسلامی، معیار موفقیت، سرمایه‌گذاری خارجی، رشد تولید ناخالص داخلی با تشویق‌های دیپلماتیک نیست؛ بلکه پیروی از شریعت الهی و استقلال از طاغوت است. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هشدار داده‌اند: «هرکس بدون اجازه ولی‌ام‌های خود، از گروهی دیگر پناه بجوید، از همان گروه به شمار می‌آید» (سنن ابی‌داود، کتاب الجهاد). اتحادهای تازه مالزی، مصداقی روشن از همین وابستگی است که شرعاً حرام‌اند.

حاکمیت حقیقی با تابعیت سازگار نیست. اسلام تنها

نشست چهل‌وهفتم اتحادیه کشورهای جنوب‌شرقی آسیا (آسه‌آن) که از ۲۶ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۲۵ در کوالالامپور برگزار شد، تحت شعار «جامعیت و پایداری» به‌عنوان پیروزی وحدت منطقه‌ای ستوده شد. اما این گردهمایی، با وجود سخنرانی‌های آراسته و دست‌دادن‌های تشریفاتی، واقعیتی دیگر را آشکار کرد: تداوم وابستگی کشورهای جنوب‌شرقی آسیا به‌ویژه کشورهای با اکثریت مسلمان به نظم سیاسی سکولار سرمایه‌داری حاکم بر جهان. این نشست، به‌جای آنکه جشن استقلال باشد، نشان داد که آسه‌آن هنوز ابزاری برای سلطه خارجی است نه سازوکاری برای راهی امت؛ هرچند مالزی کشوری اسلامی می‌زبان آن بود.

حضور «ترامپ» در نشست، آشکارترین نماد این وضعیت بود. سفر آسیایی او که هم‌زمان با اجلاس انجام شد، رسماً «ماوریتی برای بازگرداندن آزادی و شکوفایی به منطقه هند و آرام» توصیف گردید؛ اما در واری این پوشش دیپلماتیک، هدف عمیق‌تر آمریکا بازگرداندن نفوذ رو به افولش از طریق تقویت روابط اقتصادی و دفاعی با شرکای هم‌سو بود. آنچه رسانه‌ها «دیپلماسی» خواندند در واقع بازتولید همان سلطه استعمار نوین از رهگذر توافقی‌نامه‌ها و لیخندهای دیپلماتیک است.

در جریان نشست، مالزی دو توافق‌نامه مهم با آمریکا امضا کرد: نخست، توافق‌نامه تجارت متقابل میان دو کشور که مالزی را ملزم به اشتراک‌گذاری داده‌های کم‌رک، هم‌سوزاری مقررات صادراتی و تطبیق استانداردهای داخلی با ضوابط آمریکا می‌کند. دوم، یادداشت همکاری

دفاعی تازه‌ای در چارچوب امنیت منطقه هند و آرام که مالزی را عمیق‌تر در شبکه‌های نظامی تحت رهبری آمریکا ادغام می‌سازد.

این اقدامات به‌عنوان «نوسازی» و «شراکت راهبردی» تبلیغ می‌شوند؛ حال آنکه توافق‌نامه تجاری، در عمل، حاکمیت مالزی را تحت نظارت آمریکا قرار می‌دهد و به آن کشور نفوذی مؤثر در سیاست، داده‌ها و جریان سرمایه‌گذاری‌های مالزی می‌بخشد. چنین سطحی از تبعیت، با فرمان الهی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سُلَّةً» (هرگز الله سبحانه‌وتعالی کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت)، سازگار است. مالزی با نهادی‌کردن نظارت خارجی بر اقتصاد خود، همان «سبیل» را به بیگانگان می‌دهد که الله سبحانه‌وتعالی آن را بر مؤمنان حرام کرده است: گویی استقلال خویش را برای دسترسی به بازارهایی معامله می‌کند که تنها وابستگی را تداوم می‌بخشد.

بعد نگران‌کننده‌تر، یادداشت دفاعی است: سندی که به آمریکا هم‌امین ماشین گشتار مسلمانان امکان مشارکت در آموزش، پشتیبانی لجستیکی مالزی را می‌دهد. از نگاه شریعت اسلامی، طلب یاری و برقراری اتحاد با دولت‌های متجاوز و بالفعل محارب، حرام است؛ زیرا امنیت مسلمانان را در اختیار کسانی می‌گذارد که آن را تضعیف می‌کنند. چنان‌که الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَا: بَعْضُهُمْ أَوْلِيَا بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاِنَّهُ مَنفِقٌ» (ای مؤمنان! یهودیان و مسیحیان را به دوستی و سرپرستی نبرگیرید؛ آنان دوستان و پشتیبانان یکدیگرند و هرکس از شما با آنان دوستی و هم‌پیمانی پیشه کند، به‌تدریج در زمره آنان خواهد بود).

ادغام سامانه دفاعی امت اسلامی در ساختار دفاعی یک متجاوز استعمارگر، نقض صریح این فرمان الهی است. چنین‌که گزارش «سازمان دفاع و امنیت آسیایی ۲۰۲۵» نیز نشان می‌دهد، یادداشت تفاهم، دست آمریکا را برای دسترسی گسترده‌تر به بندر و حریم هوایی مالزی زیر پوشش «توانمندسازی» باز می‌گذارد. این «توانمندسازی» در واقع چیزی جز تقویت حضور نظامی آمریکا در سراسر منطقه نیست؛ حضوری که مالزی را در رقابت واشنگتن با چین به یک گره راهبردی بدل می‌کند. این وضعیت، همکاری نیست؛ تسلیم است. از منظر شریعت اسلامی – بعدی که مالزی در محاسبات خود بدان نپرداخته – چنین اتحادی شکلی از هم‌پیمانی سرحدات حرام است، زیرا متضمن یاری‌دادن به کسانی است که با الله سبحانه‌وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌جنگند.

حضور ترامپ در نشست، و امضای «توافق‌نامه صلح کوالالامپور» میان تایلند و کامبوج، نشان‌دهنده جاهلیتی آمریکا برای ایفای نقش «داور منطقه‌ای صلح» بود. اما



یک‌شکل از امنیت جمعی را می‌پذیرد؛ امنیتی که از وحدت مسلمانان زیر حاکمیت شریعت برخیزد. خلافت، زمانی طوفانی راهمای بازگشتی را امن کرد، دریاها را پاس کرد، عدالت را برقرار نمود بدون توجه به ناوگان‌ها و وام‌های بیگانه تکیه کند. نیروی خلافت از ایمان و اجرای شریعت الهی برمی‌آید، نه از پیمان با کفار. امروز کشورهای اسلامی این ارزش‌ها را از دست می‌خوانند، حال آنکه همین نظام بود که روزگاری مجمع‌الجزایر مالایا را زیر یک تمدن متحد گرد آورد. بازگشت به حکومت اسلامی، نه نوستالژی گذشته، بلکه ضرورتی حیاتی است. بدون آن، کشورهای اسلامی میان واشنگتن و پکن در نوسان خواهند ماند؛ گرفتار میان وابستگی به بازارهای سرمایه‌داری و هراس از اجبار نظامی.

الله سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «إِنَّ الْحَكْمَ لِلَّهِ أَمْرًا أَلَّا تَتَّبِعُوا إِلَّا مَا أَنَا» (فرمانروایی‌ها از آن الله سبحانه‌وتعالی است و او فرمان داده است که جز او را عبادت نکنید). این آیه، هم‌زمان حاکمیت سیاسی در اسلام را تبیین می‌کند: حکم از آن الله سبحانه‌وتعالی است و بس. هر قانونی، هر معاهده‌ای یا هر اتحادی که این اصل را مخدوش سازد باطل است. هرچند با تشریفات دیپلماتیک تجلیل شود.

بنابراین نشست چهل‌وهفتم آسه‌آن، هم یک نمایش سیاسی است و هم یک محکومیت اخلاقی؛ نمایشی که نشان می‌دهد دولت‌های مسلمان‌نشین چگونه میان بندگی و پیشرفت، مرزها را خلط کرده‌اند. آنان در حالی ادعای بی‌طرفی میان قدرت‌های بزرگ می‌کنند که عملاً واحدی دوت در نوسان‌اند؛ مادی‌گرایی سرمایه‌داری و قوم‌گرایی سکولار، راه هدایت الهی نیست.

این منطقه تنها زمانی عزت خود را بازی‌مید که این بته‌ها را انکار کند و حاکمیت وحی را از نو بنیان نهد. تا زمانی که تحول رخ ندهد، «جامعیت» استعاره‌ای برای وابستگی باقی می‌ماند و «پایداری» یعنی تداوم همان ساختارهای استمرگ که امت را پراکنده و ناتوان نگه می‌دارند. قرآن یادآوری و هشدار تهاپی را چنین می‌دهد: «فَا تَهْوُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْعَاغُونَ وَاللَّهُ مَنَّكَ» «سست نشوید و به صلح قلم نخوانید، درحالی‌که شما بربرید و الله سبحانه‌وتعالی با شماست». تیرتیرد تنها بازگشت خلافت بر منحن توجه است که می‌تواند نیروی حقیقی، عزت، استقلال و عدالت را به سرزمین‌های اسلامی بازگرداند. در سایه این نظام الهی، توان سیاسی، اقتصادی و نظامی امت زیر یک رهبری واحد قرار می‌دهد: می‌آید؛ رهبری‌ای که با وحی حکم می‌راند، در برابر قلم جهانی می‌ایستد و مصالح اسلام را در سراسر مرزها پاس می‌دارد. تنها چنین رهبری‌ای قادر است پراکندگی تحمیل‌شده از سوی نظام دولت – ملت را برچیند و تمدنی را زنده کند که با «رحمة للعالمین» راههای بشریت باشد.

ادامه: دیدگاه آمریکا برای حل مسئله قبرس

امر به اذن الله سبحانه تعالی تحقق خواهد یافت و این همان رستگاری بزرگ است. این است راهحل و این است حق: «فَقَدْ أَخَذَ الْإِسْلَامُ فَاتَى تَمَرُثُونَ» «پس بعد از حق جز گمراهی چیست؟ چگونه از راه حق برگردانده می‌شود؟». راهحل، آن چیزی نیست که آمریکا برای آن برنامه‌ریزی می‌کند یا بریتانیا پیش‌تر طرح‌ریزی کرده بود. به بیان دیگر، راهحل این نیست که قبرس دارای دو دولت شود، چه یک به ترکیه و دیگری به یونان ملحق شوند و نه آنکه قبرس یک دولت فدرالی متشکل از دو بخش باشد که رومیان (قبرسی‌های یونانی) بر آن حکم برانند و نه آنکه یک دولت واحد باشد که رومیان آن را اداره کنند. زیرا هیچ سرزمین اسلامی روا نیست که کفار بر آن سلطه یابند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» «هرگز الله سبحانه تعالی کافران را بر مؤمنان چیره نخواهد ساخت». قبرس به اذن الله سبحانه تعالی به همان صورت سابق، سرزمینی اسلامی و دست‌خوار گشت، روزگار در گردش است، و دست‌خوار بسیاری بر قبرس چرخیده است، اما پایان کار همواره از آن پرهیزگاران است: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».

در ۲۱ جمادی‌الاولی ۱۴۴۷ هجری
۲۰۲۵/۱۱/۱۲ میلادی

رئیس‌جمهور اسلونی؛ یا از تاریخ بی‌خبر است یا خود را به نادانی می‌زند!

ناتاشا پیرک موسار، رئیس‌جمهور اسلونی، در مصاحبه‌ای با شبکه ماهواره‌ای الجزیره در تاریخ ۲۰۲۵/۱۱/۲۰، از سرزمین مسلمانان یعنی قفقز چنین گفت: «اسرائیل حق دارد که صاحب یک دولت باشد». این اساس، بیانه‌ی مطبوعاتی دفتر مرکزی حزب‌التحریر پرسید؛ چه کسی این حق را به رژیم جراه‌زده یهود اعطا کرده است؟ آیا کسی هست که تاریخ بخواند و نداند این رژیم مسخ‌شده چگونه بر سرزمین مبارک فلسطین تاسیس شد؟ آیا کشتارهای یهود علیه مردم مسلمان فلسطین از ذهن خواننده منصف تاریخ غایب است؟ و چگونه این رژیم مسخ‌شده بر جمجمه‌ها و جسد‌های بسیاری از مردم فلسطین بنا نهاده شد؟ و چگونه مردم آن سرزمین را در سال ۱۹۴۸ و سپس در سال ۱۹۶۷ آواره ساخت؟ و این کار با یاری بریتانیا و برخی کشورهای اروپایی و خیانت حاکمان کشورهای همجوار فلسطین صورت گرفت! بیانه‌ی افروزد: برخی مواضع دیگر کشور رئیس‌جمهور اسلونی علیه رژیم یهود، نمونه‌ی تصدیق جلیات آن در غزه به نسل‌کشی، یا اعلام عدم تمایل اسلونی به ورود دو تن از مقامات آن (اسرائیل) به کشورش، یا ممانعت از عبور برخی محموله‌های صادرات و واردات سلاح از طریق اسلونی بمسوی آن (اسرائیل)، یا موضع آن در قبال شهرک‌سازی یهود در فلسطین، یا در برخی مواضع دیگری که همچون آن را شامری از کشورهای اروپا و غیره از سر شرم و حیا پس از رسوایی بزرگی که رژیم یهود با جلیات شرم‌آور خود در غزه برای آن‌ها به بار آورد، اتخاذ کردند؛ هیچ‌کدام از این‌ها برای رئیس‌جمهور اسلونی و نه برای هیچ حاکم دیگر در جهان که کاری برای توقف آن جنایات انجام نداده‌اند، شفاعتی نخواهد بود. بیانه‌ی در پایان تأکید کرد: امت اسلامی این مواضع را در حافظه خود حفظ می‌کند و هرگز آن را فراموش نخواهد کرد و رئیس‌جمهور اسلونی که به یهود حق داشتن دولت در فلسطین را داده است، باید بداند که روز حساب نزدیک است؛ آن روز که بجزو، ان‌شاء‌الله، دولت خلافت دوم بر منبج نبوت را برپا خواهیم کرد و گرنه خلافت عثمانی توانست در قرن چهاردهم در جریان جنگ‌های عثمانی‌هابسبورگ، اسلام را در غییر این صورت، همچنان واکنش‌پذیر به حوادث باقی بخواهند ماند و به اذن الله سبحانه تعالی، هر صاحب موضعی را به‌خاطر موضعش مورد بازخواست قرار خواهد داد.

مصر و ترکیه برای باری‌رساندن به غزه و سودان چه کردند؟!

TRT عربی، ۲۱ جمادی‌الآخر ۱۴۴۷ هجری، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۵ میلادی) بدر عبدالعاطی، وزیر امور خارجه مصر، شاهانه چهارشنبه در اجلاس مطبوعاتی مشترک با هاکان فیدان، همتای ترکیه‌ای خود در آنکارا، به شماری از مسائل از جمله مسائل دوجانبه و اوضاع غزه و سودان پرداخت. در خصوص اوضاع غزه، وزیر خارجه مصر گفت که با همتای ترکیه‌ای خود درباره مذاکرات جاری در نیویورک در مورد طرح قطعنامه آمریکا برای تشکیل نیروی ثبات بین‌المللی برنامهریزی‌شده در نوار غزه، گفتگو کرده است. در خصوص تحولات سودان، عبدالعاطی اظهار داشت که با فیدان درباره آخرین تحولات بحران سودان بحث کرده است و به «هم‌راهی و تطبیق» دیدگاه‌های دو طرف در خصوص ضرورت توقف جنگ و مخالفت با هرگونه طرح برای تجزیه سودان اشاره کرد.

تعلیق: مصر و ترکیه برای توقف حزام خون در غزه و سودان چه کرده‌اند؟ برای جلوگیری از جلیات نسل‌کشی در غزه و سودان چه اقداماتی انجام داده‌اند؟ ارتش‌های این دو کشور چه کرده‌اند؟

مصر و ترکیه می‌توانند یک دولت بزرگ باشند که در سیاست بین‌الملل تأثیرگذار است، حتی هر یک از آن‌ها به‌منتهای می‌تواند چنین جایگاهی داشته باشد؛ اما حاکمان مزدور نالیق و خفیر در این دو کشور، به این رضایت داده‌اند که در رکاب آمریکا حرکت کنند و نقشه‌های آن را اجرا کنند و بر اساس خواسته‌هایش پیش بروند. اکنون بر مسلمانان واجب شده است که این حاکمان مزدور را خلع کنند و عزت و کرامت را به امت خود بازگردانند و خلافت دوم بر منبج نبوت را برپا سازند. در غیر این صورت، همچنان واکنش‌پذیر به حوادث باقی خواهند ماند و در سیاست بین‌الملل غیرفعال و بی‌تأثیر خواهند بود.

ادامه: سودان میان آتش‌بس چهارگانه و بسیج نظامی؛ به کجا می‌رود؟!

اگر چنین است، وزیر خارجه سودان تأکید می‌کند که با رسیدن به نتیجه‌ای که آمریکا می‌خواهد و گزینه ادامه اعضای چهارگانه جز امارات هماهنگی دارد. پس موضع جنگ به شیوه کنونی نیز همین سرنوشته را دارد؛ زیرا دوستان که گفت با آنان هماهنگ است چیست؟ آیا آمریکا اجازه نخواهد داد ارتش بر نیروهای واکنش آنان با آتش‌سوزی و مفاد بی‌بینه چهارگانه همراهانند یا سراسر امنیت نظامی هستند؟ پاسخ از خلال اظهارات همین دوستان روشن می‌شود. روزنامه‌های تغییر سخنی از وزیر خارجه مصر نقل کرده است که: «وزیر خارجه مصر، بدرالجناب عبدالعاطی، بر اهمیت دستیابی به توقف فوری شلیک در سودان و فراهم‌کردن شرایط برای آغاز روند سیاسی فراگیر که وحدت و کامیبت کشور را حفظ کند، تأکید نمود. عبدالعاطی همچنین بر ضرورت اجرای کامل بیانه چهارگانه درباره سودان اصرار ورزید». این سخنان در تماس تلفنی روز شنبه ۲۰۲۵/۱۱/۱۵ او با مسعد بولس، مشاور ارشد رئیس‌جمهور آمریکا در امور عربی‌آفریقای، بیان شد. اما موضع عیسوی، طبق گزارش روزنامه الشرق‌الاولست در روز جمعه ۲۰۲۵/۱۱/۱۴ چنین است: «عریستان و مصر بار دیگر بر اهمیت توقف جنگ در سودان و فراهم‌سازی شرایط برای آغاز روند سیاسی فراگیر تأکید کردند». نخستین بار وزیر سپس دولت سخن او را شنیده و شکایتش را بر پایه خارجه سودان، درحالی‌که از نظر شرعی دوستان نیستند؛ شرح کل کند و اگر ندیفرست، به او جنگ شود تا سلاح بلکه دشمن‌اند، در هر زمین نهد و به می‌هکس هر که باشد اجازه دخالت به نام می‌نایبگری داد. همتای سیاستش را بر نام دیگری دادند: سودان به نام امنیت و وحدت است و امنیت و وحدت ساختار سیاسی آن این است و واقعیت؛ هر دو گزینه به نتیجه‌ای زیرا اسلام وحدت است و وحدت ساختار سیاسی آن مسئله‌ای می‌انجامد؛ جادکردن دارفور از پیکره سودان. حکم زندگی یا مرگ اتخاذ می‌شود.

قبرس شاهد این واقعیت است؛ زیرا آمریکا در آنجا هرچه خواست انجام می‌دهد، با آنکه این جزیره سرزمینی اسلامی بوده که مسلمانان در زمان عثمان، خلیفه راشد سوم، در سال ۲۸ هجری آن را فتح کردند؛ فتحی که از نخستین فتح‌های دریایی مسلمانان بود. گروهی از صحابه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در فتح قبرس شرکت داشتند؛ در جمله ابودر، عباده بن صامت همراه همسرش ام حرام، ابو الدرداء، و شداد بن اوس رضی‌الله‌عنهم. قبر ام حرام، صحابی بزرگوار، هنوز از زیارتگاه‌های معروف قبرس است. پس قبرس در تاریخ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و هنگامی که مسیلیان اروپایی در نخستین جنگ‌های مسیلی آن را اشغال کردند، مسلمانان آرام نشنستند تا دوباره آن را آزاد کرده و بر سرزمین مسلمان بازگردانند. سپس مانند دیگر سرزمین‌های اسلامی در قلمرو دولت عثمانی قرار گرفت، زیرا خلافت به آنان منتقل شده بود. اما زمانی که خلافت لغو شد، انگلیسی‌ها قبرس را به مستعمرات خود ضمیمه کردند. همان‌گونه که قبرس آن را از دست مسیلیان بازگردانند، به اذن الله سبحانه تعالی بار دیگر آن را به سرزمین اسلام بازخواهند گرداند. این است راهحل درست برای قبرس؛ اینکه به اصل خود بازگردد و همچون دوران خلافت عثمانی، سرزمینی اسلامی باشد و واجب است که تا بازگشت دوباره خلافت، بخشی از ترکیه باشد تا پرچم اسلام بر آسمان هر دو وجه سرزمین‌های مسلمان برافراشته شود و بی‌گمان این

تأکید کرد که ایالات متحده آماده است هر کمکی را که بتواند برای تحقق این هدف ارائه دهد». از سوی دیگر، نیکوس تأکید کرد که در مورد مسئله قبرس بر حمایت ایالات متحده تکیه دارد (خبرگزاری قبرس، ۲۰۲۴/۱۰/۳۰) و پیش از آن نیز «وزیر دفاع دولت قبرس، بالماس، اعلام کرده بود که ساخت یک پایگاه بالگرد نزدیک لارناکا در حال انجام است. رسانه‌های دولت یونانی‌قبرس گزارش دادند که این پایگاه برای آمریکا اختصاص خواهد یافت. (Turkey Today ۲۰۲۴/۷/۲۹).

اما ترکیه اعلام کرده بود که توافق دفاعی میان قبرس یونانی و آمریکا را رد می‌کند (وب‌سیاست وزارت خارجه ترکیه، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۴)؛ اما چون کشوری تابع آمریکا است، نمی‌تواند با موضوعی که آمریکا تصمیم نهایی درباره آن گرفته، مخالفت کند؛ بنابراین ترکیه شروع کرد به برگزاری دیدارهای سطح بالا با مسئولان یونانی و حتی با مسئولان قبرس یونانی نیز تماس گرفت؛ با اینکه به‌سبب مناقشه بر سر قبرس شمالی آنان را بر رسمیت نمی‌شناسد؛ ۱- مقام‌های قبرسی اعلام کردند که رؤسای‌جمهور ترکیه و قبرس امروز، پنجشنبه، در حاشیه نشست در مجارستان یک دیدار نادر با یکدیگر خواهند داشت. بانیس، معاون سخنگوی دولت قبرس، در پستی در پلتفرم ایکس گفت که وزیر خارجه ترکیه، هاکان، نیز در این دیدار حضور داشته است». (الاتحاد للأنباء، ۲۰۲۴/۱۱/۷). این کار نشو

می‌تواند به درخواست آمریکا انجام شده باشد تا ترکیه را برای پذیرش راهحل آمریکایی در قبرس آماده کند. ۲- برای نمونه، زمانی‌که ترکیه شروع کرد به تنش‌آفرینی با یونان، این مطابق خواسته‌های دولت ترامپ در دوره نخست او بود. اما وقتی بایدن آمد و مسیر بازگشت به رهبری متحدان اروپایی را در پیش گرفت، ترکیه اردوغان را مطابق این رویکرد جدید ارتقا رفت کرد.

۳- مخالفت ترکیه با همکاری دفاعی آمریکا و قبرس یونانی در سال ۲۰۲۴ در عمل واقعییتی نداشت؛ زیرا دیدار اردوغان با رئیس‌جمهور قبرس یونانی مدت کوتاهی پس از همین مخالفت انجام شد؛ و این نشان می‌دهد که ترکیه اردوغان جهت‌گیری خود را بر اساس سیاست ترکیه تغییر می‌دهد. اما اظهارات رئیس‌جمهور منتخب قبرس شمالی: «ارهورمان پیروزی خود را پیروزی همه قبرسی‌های ترک با همه گرایش‌هایشان توصیف کرد و بر عزم خود برای اداره سیاست خارجی با همتایان نزدیک با ترکیه تأکید نمود. تا وحدت صف و موضع حفظ شود». (الجزیره نت، ۲۰۲۵/۱۰/۲۰). این سخنان برای آادمستانی‌ها فضا جهت نزدیکی دو طرف به‌منظور اجرای طرح آمریکایی فدرالیسم در قبرس است. به همین دلیل، دولت یونانی، متحد اردوغان و رهبر ملی‌گرایان ترک در آنکارا، به‌شدت خشکمی شد و نتایج انتخابات در قبرس شمالی را رد کرد و مجلس این منطقه را به تشکیل قوری جلسه و اعلام رد نتایج انتخابات و تصمیم به پیوستن به جمهوری ترکیه فراخواند (آر.تی، ۲۰۲۵/۱۰/۱۹).

اما خود اردوغان، «ررب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، روز یکشنبه پیروزی طوفان ارهورمان، رهبر حزب جمهوری‌خواه ترک در جمهوری قبرس شمالی را در انتخابات حیات‌به‌بلوغ دمورکراسی در قبرس شمالی افتخار کرد؛! یعنی به بلوغ دمورکراسی در قبرس شمالی افتخار کرد؛! مواضع سخت و تند از سوی محافل دور از ساختار قدرت در ترکیه شنیده می‌شود، اما حلقه اردوغان که با وابستگی به آمریکا کار می‌شود، مواضعی مشابه جهت‌گیری آمریکا اتخاذ می‌کند. به همین دلیل، اردوغان بحث الحاق قبرس یا راهحل دو دولت را کنار گذاشت و بمسوی فدرالیسم متمایل شد. ششم: براین‌اساس، محتمل آن است که مذاکرات برای وحدت جزیره قبرس بر اساس راهحل آمریکایی یعنی یک اتحاد فدرالی دو منطقه‌ای و دو پایتختی سرعت گیرد؛ اتحادی که دست برتر در آن با قبرسی‌های یونانی خواهد شد و حقوق سیاسی قبرسی‌های ترک مسلمان کمتر خواهد شد و این مطابق جنگ آمریکا با اسلام و نگاه آن کشور به نقش بزرگ‌تر برای قبرس یونانی‌منش و همپیمان با قبرس است. ترکیه نیز خود را در مدار آمریکا قرار داده و نمی‌تواند با آن مخالفت کند. اگر شرایط داخلی، ترکیه‌ای و بین‌المللی به همین شکل ادامه یابد، این بار مسیر موفقیت مذاکرات برای تشکیل یک اتحاد فدرالی طبق دیدگاه آمریکا هموار خواهد بود و دور از انتظار نیست که سفر طوفان ارهورمان به ترکیه در روز پنجشنبه ۲۰۲۵/۱۱/۱۳ نخستین گام در اجرای طرح آمریکایی برای یک اتحاد فدرالی دو منطقه‌ای و دو پایتختی باشد؛ به‌گونه‌ای که امور داخلی هر منطقه به خود آن سپرده شود. اما امور دفاع و سیاست خارجی عمدتاً در دست دولت فدرال باشد، یعنی در اختیار قبرسی‌های یونانی و اگر امور مطابق خواست آمریکا پیش رود، طرح آن شامل تخلیه قبرس از نیروهای خارجی (دو پایگاه بریتانیا در جزیره و نیز نیروهای ترکیه) خواهد شد، تا تنها آمریکا باشد که در شمال قبرس پایگاه داشته باشد.

هفتم: واقعاً دردناک است که سلطه کفار استعمارگر بر سرزمین‌های مسلمان، یکی پس از دیگری زنجیر می‌شود، درحالی‌که حاکمان مسلمان این سلطه را می‌شنوند و به چشم خود می‌بینند. بی‌آنکه آن را محکوم کنند؛ چه برسد به آنکه واکنشی درخور نشان دهند و آن را به مرزهای خودشان پس برانند ویا همچون دوران خلافت راشدین پیکار آن باشند؛ دورانی که اسلام با عدالت خویش در سرسره جهان گسترش یافت. اما چگونه ممکن است حاکمانی که خودشان تابع کفار استعمارگر هستند، در برابر آنان بایستند؟! تأکید کرد که ایالات متحده آماده است هر کمکی را که بتواند برای تحقق این هدف ارائه دهد». از سوی دیگر، نیکوس تأکید کرد که در مورد مسئله قبرس بر حمایت ایالات متحده تکیه دارد (خبرگزاری قبرس، ۲۰۲۴/۱۰/۳۰) و پیش از آن نیز «وزیر دفاع دولت قبرس، بالماس، اعلام کرده بود که ساخت یک پایگاه بالگرد نزدیک لارناکا در حال انجام است. رسانه‌های دولت یونانی‌قبرس گزارش دادند که این پایگاه برای آمریکا اختصاص خواهد یافت. (Turkey Today ۲۰۲۴/۷/۲۹).

عضو اتحادیه اروپا شد و در ۲۰۰۸ به منطقه یورو پیوست، موقعیت اقتصادی و سیاسی‌اش تقویت شده است. همین موقعیت اشتیاق جریان‌هایی را که خواسته وحدت جزیره را با قبرس یونانی‌اند، افزایش داده است. به‌ویژه با توجه به اینکه ترکیه چندین دهه است که در اتحادیه اروپا را می‌کوبد و درها همچنان به رویش بسته است. دوم: این فضای داخلی، یونان را ترکیه و موج سکولار، در این نتیجه انتخاباتی نقش داشتند؛ به‌گونه‌ای که طوفان ارهورمان با اختلاف زیاد و از همان دور نخست پیروز شد. اما این عوامل داخلی محرز اصلی نبودند؛ بلکه دگرگونی‌های متحده بین‌المللی و کشفیات گاز طبیعی در شرق مدیترانه تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشتند. توضیحات آن به این صورت است:

۱- جنگ روسیه در اوکراین؛ در چارچوب آمادگی برای تمامی سناریوهای ممکن درباره تحولات جنگ روسیه در اوکراین و احتمال سیطره روسیه بر دریای سیاه، آمریکا حضور نظامی خود را در پایگاه‌هایش در یونان تقویت می‌کند؛ از جمله با انتقال بخشی از تجهیزات ژمینی.

برای مقابله با این تهدیدهای روسیه، هم‌اکنون آمریکا به قبرس با عنوان پایگاه ناو هواپیمابر ثابت در منطقه، دوباره احیا می‌شود. از این رو، آمریکا بار دیگر رویای ایجاد پایگاه‌های نظامی در این جزیره را زنده می‌کند؛ رویایی قدیمی که اکنون به‌سبب جنگ اوکراین، نیاز آمریکا به پایگاه‌های نظامی در قبرس بیشتر شده است. از سوی دیگر، در ارتباط با جنگ‌های خاورمیانه، آمریکا حضور نظامی در قبرس را بایثباتی از حضورش در منطقه قبی می‌اند؛ منطقه‌ای که بیم دارد دگرگونی‌های آن و نیز افزایش فضای اسلامی، موجب خروج نفوذ آمریکا از آن شود.

۲- کشفیات گاز طبیعی: کشف‌های بزرگ گاز طبیعی در شرق مدیترانه طی دو دهه گذشته، انرژی‌های انرژری آمریکا را که اکنون در بهره‌برداری از میدان‌های گازی منطقه‌ها، ان، پیش از پیش تحلیک می‌کند و آمریکا را به گسترش نفوذ خود در این منطقه سوق می‌دهد. در این کشور، قبرس حلقه‌ای مهم است؛ چه از نظر تولید و چه از نظر خطوط لوله. از همین رو، سفیر آمریکا در قبرس از سال ۲۰۱۸ پیوسته با رئیس‌جمهور قبرس دیدار کرده و درباره موضوع اکتشافات نفت و گاز شرق مدیترانه گفت‌وگو می‌کند و اعضای کنگره نیز به‌طور مستمر از نیکوزیا دیدن می‌کنند. به‌سبب همین گاز، در منطقه منازعات تازه‌ای بر سر مرزهای اقتصادی دریایی شکل گرفته است و هنگامی که دولت ترامپ در آغاز سال جدید دوباره بر سر کار آمد، موجب فوج شرکت‌های انرژی آمریکا نیز بازگشت و دولت ترامپ تلاش شان خود را برای تسلط بر تولید گاز طبیعی شرق مدیترانه در شرق تا آن را به ابزاری دیگر در وابسته‌کردن اروپا به خود از نظر انرژی پس از محروم‌کردن آن از گاز روسیه، تبدیل کند. ۳- مجلس بریتانیا پس از برگزیت، نگاه آمریکا به بریتانیا پس از آنکه ضعف این کشور پس از برگزیت آشکار شد، تغییر کرد. با وجود وعده‌های آمریکا مبنی بر یک توافق تجاری بزرگ هنگام خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۰ که عملی نشد، دولت ترامپ به‌جای آن، طرح‌های گرمگی بر لندن تحویل کرد که پیامدهای آن در تعطیلی کارخانه‌های بریتانیایی آشکار شده است. نگاه جدید آمریکا اقتضا می‌کند که نفوذ بریتانیا را به ابر ببرد و از ابزارهای آن، به‌ویژه قبرس، بهره‌برداری کند. ملجه نشال اینترست آمریکا در ۲۰۲۴/۱۱/۱۸ که گرایش محافظه‌کارانه و حیا جناح ترامپ دارد، اظهارات یکی از چهره‌های دریایی آمریکا، مایکل روبین، منتشر کرد که در آن خواستار آن شده بود که آمریکا بریتانیا را به ابر ببرد و دو پایگاه نظامی «اکروتیری» و «دیکلیا» را که ۳۰٪ از مساحت جزیره را تشکیل می‌دهند، در اختیار بگیرد.

۴- محتمل‌تر آن است که این تحولات بین‌المللی و آن کشفیات گاز، دیدگاه جدیدی برای آمریکا درباره متحد کردن جزیره قبرس ایجاد کرده باشد. دولت ترامپ در نخستین دوره خود، تحریم فروش سلاح به قبرس که از سال ۱۹۸۷ برقرار بود را لغو کرد؛ «ایالات متحده روز سیمشنبه اعلام کرد که برای یک سال و به‌صورت تجاری، تحریم‌هایش از سی‌ساله فروش تجهیزات نظامی به قبرس را لغو کرده است. وزارت خارجه قبرس در بیانه‌ای اعلام کرد که مایک پمپئو وزیر خارجه، تصمیم خود مبنی بر لغو محدودیت‌های صادرات، بازمدارات و انتقال تجهیزات دفاعی غیرکشنده و خدمات دفاعی را به رئیس‌جمهور قبرس، نیکوس، اطلاع داده است. (سویس اینفو، ۲۰۲۰/۹/۲۴). این لغو هر سال تمدید می‌شود.

سیس دولت بایدن این مسیر را تکمیل کرد و با قبرس یک توافقنامه دفاعی مهم امضا نمود: «قبرس و ایالات متحده یک موافقت‌نامه چارچوبی برای همکاری‌های دفاعی امضا کردند که شیوه‌های تقویت واکنش دو کشور در برابر بحران‌های انسانی منطقه‌ای و نگرانی‌های امنیتی را تعیین می‌کند» (الیوم السابع، ۲۰۲۴/۹/۱۰).

سوم: در رویدادی بسیار نادر که مانند آن تنها در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۶ رخ داده بود، رئیس‌جمهور آمریکا، بایدن، رئیس‌جمهور قبرس را در واشنگتن پذیرفت و به چشم واپسین روزهای دولت بایدن و پس از اعلام پیروزی ترامپ انجام شد. آمریکا موضع خود را اعلام کرد: «رئیس‌جمهور آمریکا که در کاخ سفید از نیکوس خریستودودیدیس، رئیس‌جمهور قبرس، استقبال کرد، در سخنان خود پیش از دیدار گفت: همچنان نسبت به امکان وحدت قبرس بر پایه یک فدراسیون دومنطقه‌ای و دوقومیتی خوش‌بین هستم، و

تعطیلی‌های دولت آمریکا؛ ماهیت آن و پیامدهایش چیست؟

استاد خالد علی - آمریکا

چرا هر سال یا هر چند سال یکبار از «تعطیلی دولت آمریکا» می‌شنویم؟ مقصود از آن چیست؟ به‌اختصار، هرگاه دو حزب اصلی کنگره، جمهوری‌خواه و دموکرات، نتوانند بر سر بودجه‌ای برای تأمین مالی دولت به توافق برسند، فعالیت‌های دولت متوقف می‌شود و «تعطیلی حکومتی» رخ می‌دهد. امسال تعطیلی در پایان سپتامبر گذشته، زمان پایان بودجه سال مالی، آغاز شد و دولت فدرال به سوی تعطیلی رفت. این نخستین مورد از سال ۲۰۱۸ تاکنون است و پایانی روشن نیز در افق دیده نمی‌شود.

علت تعطیلی امسال، اختلاف میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در مجلس سنا بر سر دو طرح بود: نخست، طرح قانونی که دموکرات‌ها پیشنهاد کرده بودند و شامل تأمین بودجه دولت تا پایان اکتبر ۲۰۱۵ و تمدید یارانه‌های فدرال مر اقیانوس‌های بهداشتی که قرار بود در پایان سال منقضی شود، بود.

دوم: امتناع دموکرات‌ها از همراهی با جمهوری‌خواهان در تصویب طرح کوتاهمدت مجلس نمایندگان برای حفظ بودجه در سطح کنونی تا پایان نوامبر ۲۰۲۵. بازنگران اصلی این تعطیلی، همان دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات‌اند؛ رئیس‌جمهور آمریکا، رئیس‌جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان، رهبر اکثریت جمهوری‌خواه سنا، رهبر اقلیت دموکرات مجلس نمایندگان و رهبر اقلیت دموکرات‌ها. تأثیر تعطیلی بر کارکنان دولت و سایر مردم چیست؟ کاخ سفید اعلام کرد هزاران کارمند فدرال را مرخص خواهد کرد، و «گارولین لویت» سخنگوی کاخ سفید و «فانس» معاون رئیس‌جمهور تأکید کردند این اقدام به‌زودی انجام می‌شود.

این بدان معناست که بسیاری از کارکنان، شغل یا دستمزد خود را از دست می‌دهند؛ مگر آنکه بدون مزد به کار ادامه دهند. برای نمونه، مراکز درمانی بدون توقف کار خواهند کرد. همچنین مأموران کنترل هوایی و نیروهای امنیتی فروگردگذاشته، اما بدون دریافت حقوق، بازرسی‌های ایمنی مواد غذایی ادامه می‌یابد، اما کارکنان آن حقوقی دریافت نخواهند کرد. کنگره همچنان به کار ادامه خواهد داد و حقوق اعضای آن پرداخت می‌شود، درحالی‌که هزاران کارمند اداری تا پایان تعطیلی حقوق نخواهند گرفت، مگر آنکه پیش از آن اخراج شوند.

اما آثار تعطیلی حکومتی بر اقتصاد و مردم چیست؟ این پیامدها، در تمام سطوح، فاجعه‌بارند. مجله «شاتر استوک» در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۵ گزارش داد که آمریکا تا دوام تعطیلی، هر هفته ۱۵ میلیارد دلار از تولید ناخالص داخلی خود را از دست می‌دهد. طبق یادداشت «شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید»، شمار بیکاران ۴۳ هزار نفر افزایش یافته و حدود ۱.۹ میلیون کارمند مدنی فدرال با بطور موقت بیکار شده‌اند یا بدون مزد کار می‌کنند.

برای مردم عادی، این یادداشت تأکید می‌کند که تعطیلی مستقیماً بر زنان، نوزادان و کودکانی که به برنامه‌های حمایتی فدرال وابسته‌اند تأثیر می‌گذارد؛ همچنین بر دریافت‌کنندگان «تأمین اجتماعی» و خدمات درمانی دولتی و شماری از برنامه‌های آموزشی که بودجه‌شان دوره‌ای بازنگری می‌شود.

تعطیلی حکومتی مستقیماً بر حمل‌ونقل هوایی و فعالیت فروگاه‌ها نیز تأثیر می‌گذارد؛ چنان‌که نرخ غیبت

کارنامه استرالیا ملو است از خدمت به منافع استعماری در کشورهای ما

دولت استرالیا اعلام کرد که در «نیروی بازسازی غزه» به رهبری ترامپ شرکت خواهد کرد؛ این اتفاقی است که آمریکا آن را هدایت می‌کند و متشکل از کشورهای غربی و کشورهای اسلامی است که وقیفه‌ها خلخ سلاح اجباری غزه و سپس تحویل آن به رژیم غاصب است.

این اعلامیه همزمان با اعلام تمایل رژیم غاصب به الحاق کرانه باختری نیز هست که در راستای تلاش‌های گسترده‌تر آمریکا برای تحمیل سيطرة یهود بر تمام فلسطین و در چارچوب تلاش آن برای بازآرایی کل خاورمیانه صورت می‌گیرد. دفتر مطبوعاتی حزب اتحادیه در استرالیا بر نکات متعددی تأکید کرد، از جمله: استرالیا کارنامه‌ای طولانی در خدمت به منافع استعماری در خاورمیانه دارد. این لشکر سواره‌نظام سبک استرالیا بود که برای اولین بار در طول جنگ جهانی اول، به نیابت از بریتانیا وارد فلسطین شد و به اشغال آن توسط نیروهای بریتانیایی و تحویل متعاقب آن به یهود کمک کرد.

«مشارکت استرالیا در «نیروی بازسازی غزه» با هدف تحمیل تسلیم سیاسی بر غزه است. پس از آنکه یهود در این امر به‌صورت نظامی شکست خوردند. همچنین، استرالیا خود نسل‌کشی علیه بومیان اصلی خود مرتکب شده، نخستین نسل‌کشی علیه مردم فلسطین را تسهیل کرده، در طول دو سال گذشته در برابر نسل‌کشی سکوت کرده و اکنون به یهود کمک می‌کند تا هویت فلسطینی را به‌طور کامل منسوخ سازند. از این رو، استرالیا برای تسهیل ارتکاب این جنایات تا بدی محکوم باقی خواهد ماند.

تا زمانی که مسلمانان اراده سیاسی و سلطه رپوده‌شده خود را بازنیابند، حاکمان خان خود را بیرون نکنند و خلافت را برپا نسازند، ما همواره در برابر جنایات صهیونیست‌ها-ملی‌بی‌ها و خیانت‌های مزدوران محلی آنان، مغلوب خواهیم ماند.

قابسی در حال خفه‌شدن؛ فاجعه‌های زیست‌محیطی از ساخته‌های استعمار

استاد طارق رفیع

در سال ۱۸۸۳ استعمارگر فرانسوی برای نخستین‌بار و هانتجاری‌های مادرزادی، همه در این فهرست‌اند. ذخایر فسفات را در «الماتوی» از نواحی اطراف «قلمه» کشف کرد و با تکرار این اکتشافات در مناطق مجاور، به این محدوده نام «الحوض المنجمی» نهاده شد؛ به سبب حجم عظیم ذخایری که در آن جای داشت. فرانسه بهره‌برداری از این ثروت را با انتقال فسفات به بندر مفاکس و سپس صدور آن به فرانسه آغاز کرد و حتی خطوط راه‌آهن ساخت تا روند غارت را تسریع کند. اما همچنان کار خود را ادامه داد، گویی هیچ اتفاقی نیفتاده پس از ترک کشور نیز این گنج را برای مردم برجای نگذاشت؛ چنان‌که «بورقویه»، موره دست‌نشانده و ثروت‌های زیرزمینی ازجمله نمک، گاز، نفت و فسفات را در اختیار مردم آن به پرده ابهام ماند. جز اندک استادی که افشا شد و رسوایی دولت مدرن‌نمای تونس و بنیان‌گذار آن را آشکار ساخت؛ همان کسی که بطور دروغین داعی رهبری و آرداسازی داشت.

در سال ۱۹۶۲، بورقویه بدنام، با وعده‌هایی فریبنده همچون «انقلاب صنعتی» و «پایان‌دادن به بحران بیکاری»، مجتمع شیمیایی قابس را تأسیس کرد؛ طرحی که ظاهر آن نوعی امتیاز برای مردم قابس جلوه داده شد، اما در باطن، توطئه‌ای پست برای ویرانی قابس هم خشکی و هم دریا بود؛ جنایتی علیه محیط‌زیست و ساکنان آن. مأموریت این مجتمع، فراوری فسفات و تولید انواع کودهای شیمیایی کشاورزی، اسید فسفریک و اسیدسولفوریک، به‌علاوه برخی محصولات کشاورزی دیگر برای صادرات بود. اما زمان زیادی نگذشت که مردم قابس متوجه مصیبتی شدند که وارث استعمار بر آنان نازل کرده است. گازهای سمی پیوسته آسمان آنان را می‌پوشاند؛ از دی‌اکسید گوگرد تا آمونیاک، از منوکسید کربن تا ازن. هر یک از این‌ها، به‌تدریج برای نابودی انسان کافی است و اگر نکشد، بیماری‌ها و عوارضی فاجعه‌بار برجای می‌گذارد.

کاش ماجرا به گانه‌ای سمن محدود می‌شد؛ اما پسماند فراوری فسفات یعنی «فسفوزیپس» نیز وجود دارد؛ ترکیبی خمیری - لجنی از بقایای فسفات، آب و عناصر شیمیایی در حرارت بالا که مستقیماً به دریا ریخته می‌شود. طبق پژوهش «مؤسسه ملی علوم و فناوری‌های دریایی» در سال ۲۰۲۲، حدود هفت میلیون تن از این ماده یعنی زوانه نزدیک ۲۰ هزار تن به دریا تخلیه می‌شود. این امر به نابودی پوشش گیاهی ساحلی انجامیده است؛ پوششی که پناهگاه و منبع تغذیه انواع ماهیان، به‌ویژه نرجه‌تان برای فستگیری و تکثیر بود. خلیج قابس که زمانی بیش از ۳۰۰ گونه جانوری دریایی است که زیست می‌کرد، امروز به کمتر از ۵۰ گونه رسیده است.

طبق یک مطالعه منتشرشده به زبان فرانسه با عنوان «مدل‌سازی انتشار فسفوزیپس در خلیج قابس»، این ماده خطرناک اکنون بیش از ۶۰ کیلومتر مربع از بستر دریا را با لایه‌ای ضخیم پوشانده است؛ لایه‌ای که زیست بسیاری از آبریزان را منهدم می‌سازد. تعداد زیادی لاک‌پشت دریایی دره در سواحل دیده شده و مهاجرت گونه‌های متعدد پرندگان که سال‌ها در این سواحل فرود می‌آمدند، متوقف شده است. بدتر آنکه فسفوزیپس حاوی مواد بسیار خطرناکی چون سرب، جیوه و رادیوم است و در گرمای تابستان، گازهای سمی آزاد می‌کند که هوا را آلوده می‌سازد. از خسارت‌های دیگر این پروژه مرگبار، مصرف بی‌رویه سفره آب زیرزمینی است؛ زیرا فراوری فسفات برای تولید کودهای شیمیایی به حجم عظیمی از آب نیاز دارد و همین موجب خشک‌شدن اغلب چشمه‌های سطحی مشهور قابس شده است. این تهاقب فطرهای از دریای این فاجعه است و مجال بیان همه آن‌ها نیست. اما دلایل انفجار اوضاع در قابس و خیزش بی‌سابقه مردم آن، پیامدهای مرگباری است که این مجتمع بر جای گذاشته است؛ به‌گونه‌ای هیچ خانه‌ای در قابس نمانده که یکی از اعضای آن قربانی سرطانی نشده باشد. سرطان ریه، حنجره، پوست، کلیه، پروستات، سینه، خون، و ده‌ها بیماری دیگر ازجمله نابوروری، تأخیر در بارداری و...

ای مردم سودان، کشتی را دریابید پیش از آنکه همه شما را غرق کند

جنگ جاری میان ارتش و نیروهای پشتیبانی سریع در سودان، مرفاً یک نزاع داخلی نیست، بلکه یک طرح استعماری برای تجزیه سودان به نظامی‌های ضعیف که کنترل آن‌ها آسان باشد، و هدف نهایی آن دور نفوذ اروپایی به طور کامل است. راحل از طریق سازش‌های بین‌المللی که از پایتخت‌های استعمار و سفارتخانه‌های آنان در کشورهای ما مدیریت می‌شود، به دست نمی‌آید، بلکه تها از طریق برپایی خلافت راشده بر منهد نبوت ممکن است؛ خلافت است که امت را متحد می‌سازد و دست مداخله‌گر بیکانه را از کشور قطع می‌کند.

بنابراین، یاری‌کردن به فرمان در ارتش سودان که درک می‌کنند همراهی با پروژه‌های یاری‌چستن از اسلام است نه از یک حزب یا شخص پلایه‌ریختن از یک روش رتانی است که هیبت و حاکمیت را به امت بازمی‌گرداند. مسلمانان آگاهی سیاسی عمومی، سنگ بنای اصلی در مقابله با این طرح است، و امت در صورتیکه رهبری مخلص و بینشی واضح داشته باشد، قادر به نهفت و بیداری خواهد بود.

کشتی از درون سوراخ می‌شود، اما دستی که ترسیم و طراحی می‌کند، از واشنگتن، لندن و پاریس امتداد دارد. تا زمانی که مردم سودان حقیقت نبرد را درک نکنند، غرق‌شدن کامل به‌تاجار در راه است. این جنگ تنها ابزاری برای بازترسیم نقشه‌ها، تسویه نفوذ و تثبیت سلطه است. اما آگاهی، اولین گام در مسیر نجات است و یاری‌چستن، کلید تغییر حقیقی است.